

ب) قرآن، علم ارتباطات، تبلیغ و رسانه شیوه قرآن، در انتقال پیام به مخاطب

* دکتر حسن اسلام پور * زینب داربر

• چکیده:

در پژوهش حاضر، ابتدا مخاطبان قرآن در عصر نزول بررسی شده و تا حدودی به معرفی آنان می پردازد؛ محور دوم بحث، شیوه هایی است که قرآن کریم برای ارتباط و پیام رسانی به این مخاطبان برمی گزیند و محور سوم بحث نگرشی دارد بر ویژگی های پیام های قرآنی و عبرت ها و اخبار غیبی ای که به عنوان یک ویژگی مطرح است؛ حاصل آن که قرآن گرچه در یک عصر خاص نازل شده، پیام آن جهانی بوده و هدف آن اعتلای کلمه توحید در سراسر گیتی است؛ قرآن کریم در رسیدن به این هدف والا و رساندن پیام خود به مخاطبان از تمام امکانات زبان عربی بهره جسته و همه روش های ممکن را تا حد اعجاز سخن به کار برده و تا قیام قیامت هدایت گرنسل بشر است.

• واژه های کلیدی: پیام، انتقال، مخاطب، قرآن، شیوه، روش.

• مقدمه: قرآن کریم که آخرین و جامع ترین کتابی است که از سوی خدای تعالی برای هدایت و سعادت انسان نازل شده و اگر نبود راه ارتباط انسان با خدا و شناخت عالم والا بسته بود. قرآن کریم پیام خدا به انسان روی زمین است و قطعاً خدای سبحان به گونه ای این پیام را به بشر منتقل می کند؛ انتقال پیام در واقع همان ایجاد ارتباط با مخاطبان است که از این طریق قرآن کریم می تواند جاذبه ها، دافعه ها، پندها، مواعظ و... را به مخاطبان خود منتقل کند؛ حال این سنوالم مطرح می شود که قرآن کریم چه روش هایی را برای ارتباط به مخاطب و انتقال پیام به او برگزیده، مخاطبان از چه کسانی هستند و پیام های او چه ویژگی هایی دارد؟ این تحقیق به دنبال کشف این روش هاست و تا جایی که امکان داشته باشد در پی مخاطب شناسی، کشف روش های قرآن در پیام رسانی و بررسی ویژگی های این پیام هاست.

دایره این موضوع شامل علوم تفسیر، علوم اجتماعی، روان شناسی و علوم ارتباطات و تاریخ است اما در این مقاله به دلیل محدودیت ها فقط وارد بعد تاریخی و تا حدودی علوم ارتباطات می شود، به این صورت که ابتدا به معرفی مخاطبان قرآن در عصر نزول از بعد تاریخ پرداخته و پس از آن به بیان شیوه هایی که قرآن برای پیام رسانی برگزیده می پردازد؛ سپس ویژگی های پیام های قرآنی را بیان می کند.



از آن جا که تا به حال در این موضوع و با این عنوان تحقیقی به دست نیامده، لازم می نمود در این زمینه تحقیقی هرچند ناچیز، انجام گیرد تا بتواند در شناخت قرآن گامی برداشته باشد و از آن گذشته الگویی در انتقام پیام و پیام رسانی معرفی کرده باشد. این پژوهش با جستجو در کتاب هایی که امید می رفت مطلبی در این باره برای گفتن داشته باشند شکل گرفته و بیشترین متن مورد استفاده خود قرآن کریم بوده است و سعی شده است که به سه سؤال اصلی پاسخ داده شود و آن این که مخاطبان قرآن کریم چه کسانی هستند، شیوه ای که قرآن بدان پیام رسانی می کند چیست؟ و ویژگی های این پیام ها چیست؟ امید است که مورد توجه امام عصر ارواحنا فداه قرار گیرد.

• فصل اول مخاطبان قرآن در عصر نزول

الف - مشرکان از نظر اعتقادی، شایع ترین و عمومی ترین اندیشه حاکم بر مردم جزیره العرب شرک بوده است؛ گروه ها و قبایل مختلف، همه مشرک بوده اند، قرآن کریم اصطلاح مشرکین را به اعراب بت پرست اطلاق می کند و گرچه این کلمه از لحاظ لغوی معنای وسیع تری دارد، اما به عنوان یک اسم برای مشرکان بت پرست استعمال شده است، تنها تفاوتی که در بین گروه های مشرک وجود داشت، تفاوتی بود که بین انواع مختلف شرک قابل تصور بود؛ در عین حال در میان مردم جزیره العرب کسانی نیز یافت می شده اند که اساساً هیچ اعتقادی به خدا نه به عنوان شرک و نه هیچ عنوان دیگری نداشتند؛ چنان که قرآن کریم از زبان آنان می فرماید: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ»^۱ و گفتند: جز زندگی دنیوی ما هیچ نیست؛ می میریم و زنده می شویم و ما را جز طبیعت هلاک نمی کند، آنان را به این [مطلب] هیچ دانشی نیست و جز پندار نمی کنند.

قرآن کریم در سطح وسیعی با شرک روبه رو بوده و رسالت داشته با صاحبان افکار و عقاید شرک آلود ارتباط برقرار نماید، تا آنان را از انحرافی که در مسیر توحید ایجاد کرده بودند نجات داده به طریق مستقیم حق برگرداند.

ب - کافران اهل کتاب اهل کتاب یکی از مخاطبان قرآن کریم در عصر نزول اند که در جای جای قرآن با عنوان کافران از اهل کتاب به آنان اشاره شده است و علاوه بر یهودیان مسیحیان را نیز در بر دارد؛ گرچه در برنامه ارتباطی قرآن کریم یهودیان جایگاه وسیع تری نسبت به مسیحیان دارند و بسیاری از آیات قرآن در رابطه با یهودیان و ماجراها و تاریخ آن هاست اما قرآن کریم را به داستان عیسی مسیح علیه السلام مریم سلام الله علیها نیز عنایت داشته و آن را مطرح کرده است. ابتدا در مورد یهودیان و سپس از مسیحیان که هر دو مخاطب قرآن اند بحث به میان خواهد آمد:



۱- یهودیان پس از ویرانی اورشلیم، شمار یهودیان عربستان افزایش یافت، تا حدی که در زمان بعثت رسول اعظم صلی الله علیه وآله یهودیان حضور نیمه گسترده ای در جزیره العرب داشتند، قبایلی از یهود بنی قریظه، بنی نظیر و بنی قینقاع، در مدینه، خیبر، فدک و وادی القری، سکونت داشتند.^۱

از برخورد هایی که قرآن کریم با یهودیان به ویژه در سوره های مدنی دارد، چنین برمی آید که حضور آن ها در یثرب، زیادتر از مناطق دیگر بوده است، یعقوبی می گوید: «مناطق یهودی نشین، بیشتر همان منطقه یثرب و یمن بوده است». ابن قتیبه نیز نقل می کند که یهودیت بیشتر در قبیله حمیر و کنانه و بنی حارث ابن کعب و کنده، بوده است؛ از برخی منابع نیز به دست می آید که گروه هایی از اوس و خزرج به علت هم نشینی با یهود در محله خیبر و بنی قریظه یهودی شدند هم چنان که تعدادی از بنی حارث ابن کعب و عده ای از قبیله غسان و جذام نیز یهودی شدند.^۲

قرآن کریم نزدیکترین مدرک معتبری است که وضع دینی و فکری آن ها را بیان کرده است: یهودیان کسانی هستند که به خاطر منافع شخصی شرایع خود را کنار گذاشته اند، به بعضی عمل می نمایند و به بعضی دیگر عمل نمی کنند.^۳ با این که آن ها به سوی گناه و تجاوز از حدود خدا و خوردن حرام می شتابند، علمای ربانی و احبار، آن ها را از گفتار گناه و خوردن حرام (سحت) باز نمی دارند «وتری کثیراً مِنْهُمْ یَسَارِعُونَ فِی الْاِثْمِ وَالْعَدْوَانِ وَاکْثَلَهُمُ السُّحْتُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا یَعْمَلُونَ لَوْلَا یَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِیُّونَ وَالْاَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْاِثْمَ وَاکْثَلَهُمُ السُّحْتُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا یَصْنَعُونَ»^۴ یهود با احبارشان رشوه می گیرند و حرام خواری می کنند، بسیاری از احبار و رهبان اموال مردم را به باطل می خوردند و مردم را از راه خدا باز می دارند. هم چنین قرآن کریم آنان را این گونه معرفی می کند: آن ها در اعتقادات خود به شرک گزاشیده و عزیر را فرزند خدا می دانند، اعتقاد آنان نسبت به احبار و رهبان نیز به شرک می گراید.^۵ یهود در برخورد با کلمات حق، آن ها را از مجرای اصلی خود خارج می کنند، به خدا دروغ می بندد، حق را کتمان کرده و به مریم سلام الله علیها تهمت می زند.^۶ با آن که رباخواری برای آنان تحریم شده است، در میانشان رواج دارد؛ قرآن کریم مهم ترین خصیصه یهود را پیمان شکنی می داند.^۷ پیمان شکنی یهود تا جایی است که وقتی مروان حکم را نزد علی علیه السلام آوردند تا با امام علیه السلام بیعت کند، آن حضرت او را در پیمان شکنی به یهودیان همانند کرد؛^۸ این تشبیه از آن جهت بود که مهم ترین خصلت یهود، پیمان شکنی بوده و هست؛ بعدها یهودیان بارها با پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله معاهده بسته و آن را زیر پا گذاشتند، امروزه نیز صهیونیست های یهودی اسرائیل در پیمان شکنی زبانه زد مردم جهان

هستند.

۱- سیدالرحمن حسینی، ادبایی، پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام (ص)، ص ۵۸.
 ۲- رسول مغربیان، رسوله رسول خدا (ص)، ص ۲۰۱.
 ۳- سوره بقره (۲)، آیه ۸۵.
 ۴- سوره مائده (۵)، آیه ۶۲-۶۳.
 ۵- همان، آیه (۳۱-۳۰).
 ۶- سوره مائده (۵)، آیه ۴۱.
 ۷- سوره بقره (۲)، آیه ۷۸ و سوره آل عمران (۳)، آیه ۷۸.
 ۸- سوره نساء (۴)، آیه ۱۵۶.
 ۹- سوره بقره (۲)، آیه ۸۲ و سوره انفال (۸)، آیه ۱۲.
 ۱۰- نهج البلاغه، خطبه ۷۳، ص ۱۲۳.



۲- مسیحیان یکی دیگر از گروه‌هایی که قرآن کریم آنان را تحت عنوان اهل کتاب مورد خطاب قرار داده است، مسیحیان هستند؛ در باره این که اوضاع و احوال نصرانی‌ها در جزیره العرب چگونه بوده، تاریخ آگاهی‌های محدودی در اختیار ما گذاشته است؛ اگر بخواهیم این مسأله را از دیدگاه خود قرآن بررسی کنیم، در می‌یابیم که قرآن کریم با نصرانیت نیز مانند یهودیت برخوردی اعتقادی دارد؛ اما این نکته نیز روشن است که وجود برخورد های سیاسی- نظامی، به آن صورت که اسلام و قرآن با مشرکان و یهود داشته، به هیچ وجه با مسیحیان مطرح نبوده است؛ این نشان گر آن است که تعداد مسیحیان در مقابل یهودیان کمتر بوده و یا حداقل در محیط مکه و مدینه نسبت به مناطق دیگر، بسیار اندک بوده است.^۴ ...

قرآن کریم از یک طرف روحیه حق‌پذیری آنان را ستوده و در مقابل یهود که از دشمنان سرسخت مسلمانان بودند، مسیحیان را از نزدیکترین دوستان آنان معرفی می‌کند، اما از سوی دیگر آن‌ها را نیز همانند یهودیان تخطئه می‌کند و به سبب تثلیث و اعتقادی که نسبت به حضرت مسیح علیه السلام دارند آن‌ها را کافر می‌شمارد.^۵ برخورد صریح پیامبر با مسیحیان، تنها همان داستان مباحله است که در کتب تاریخ اسلام در باره آن سخن گفته شده است؛ قرارهای چندی نیز با قبایل مسیحی شمال امضا شده است، هم چنان که در میان نامه‌های پیامبر اعظم (ص) به سران کشورها چند نامه به قیصر روم و اسقف بزرگ موجود است.^۶

ج- منافقان یکی دیگر از گروه‌هایی که قرآن کریم از آنان یاد می‌کند و جمعیت قابل توجهی را در اسلام بعد از هجرت تشکیل می‌دادند، منافقان هستند که قرآن کریم آنان را مورد خطاب قرار داده و پیام‌ها و هشدارهای خود را به آنان ابراز می‌کند؛ با توجه به حضور وسیع آنان در جامعه اسلام و آسیب‌هایی که از سوی آنان متوجه نظام اسلام آن زمان بود قرآن کریم در چند سوره به معرفی آنان می‌پردازد و در موارد بسیاری کار شکنی‌های آنان را بیان کرده و آنان را به مؤمنان معرفی می‌نماید.^۷

به طور کلی همه کسانی که ظاهراً عبارات قرآن را می‌پذیرند، لکن روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی، اقتصاد و یا مدیریت اسلام را زیر سؤال می‌برند، در فرهنگ قرآن کریم جزء این گروهند؛ امروزه منافقان کسانی هستند که به غرب رو می‌آورند در نظام و جامعه اسلامی کارشکنی کرده و بسیار از مواضع آن را تخطئه می‌کنند و یا این که دید اسلام نسبت به حجاب، زن، ارث زن و مسائل دیگر را رد می‌کنند، همه این‌ها در مسیر شوم و ذلت‌بار حرکت می‌کنند که غیر از راه اسلام است و چه در صدر اسلام و چه بعدها بیشترین خطر از ناحیه همین گروه متوجه اسلام و جامعه اسلامی بوده

است.^۸

۴- سوره ماعون (۲۴) آیات ۸-۱۰، سوره نساء (۴) آیات ۱۲۹-۱۳۸.

۵- ولی‌الله نای‌پور، پژوهشی پیرامون تدریس قرآن، ص ۶۲.

۶- سوره مائده (۵)، آیات ۷۲/۷۳، سوره نساء (۴) آیه ۱۷۱، سوره توبه (۹) آیه ۳۰.

۷- رسول جعفریان، همان، ص ۲۰۵.

۸- رسول جعفریان، همان، ص ۲۰۶.



• در مؤمنان در قرآن کریم مؤمنان با لفظ (یا ایها الذین آمنوا) و با محوریت ایمان به غیب معرفی شده اند و هدایت و پیام های قرآنی در وهله اول متوجه همین مؤمنان است؛ پرهیز گارانی که به انبیای پیشین، کتب آسمانی گذشته و نیز هر چه بر قلب مطهر پیامبر آخرین صلی الله علیه و آله نازل شده است ایمان دارند؛ خداوند سبحان در چند جای قرآن کریم به معرفی مؤمنان پرداخته، سیمای حقیقی آنان را به تصویر می کشد و مسیر هدایت آنان را ترسیم می کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ، أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ مؤمنان تنها آن کسانی که چون یاد خدا شود دل هایشان ترسان شود و چون آیات او بر آن ها تلاوت شود ایمانشان را بیفزاید و بر خدای خویش توکل کنند، همانان که نماز بر پای می دارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند، آن ها مؤمن حقیقی هستند، برای ایشان نزد پروردگارشان مقام ها و منزلت ها و آمرزش و روزی کریمانه است. نیز قرآن کریم می فرماید: (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ)؛ آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و آن ها که پناه دادند و یاری کردند، آنانند که به راستی مؤمن اند و برایشان مغفرت و روزی کریمانه خواهد بود. تربیت این گروه بزرگ ترین دست آورد تلاش انبیاء علیهم السلام در طول تاریخ بوده و قرآن کریم نیز همین هدف را دنبال می کند و با این گروه ارتباط مداوم و قوی تری دارد.

• فصل دوم شیوه های ارتباطی قرآن در انتقال پیام

• الف - استفاده از تاریخ و نقل سرگذشت ها قرآن کریم سرگذشت اقوام پیشین را بیان کرده و از این طریق اهدافی را دنبال نموده است؛ گاه برای هشدار و عبرت به مخاطبان خود، داستان طغیان ستمگران را بیان کرده و گاه از سرکشی طاغیان در طول تاریخ پرده برداشته، عاقبت کار آنان را نیز باز گفته است و گاهی برای ثبات مؤمنان در مسیری که برگزیده اند و تقویت روحیه و قوت قلب دادن به آنان، سرگذشت پایمردی مؤمنان در برابر کفار و ظالمان را در طول تاریخ بیان می کند ذکر جریان قوم لوط، طغیان آن ها و مقدر شدن عذاب الهی بر آن ها و نیز بیان ماجرای طوفان نوح علیه السلام و هلاکت ستمگران قوم او در سوره هایی چند از جمله عبرت هایی است که قرآن کریم بیان می کند؛ هم چنین داستان انبیاء علیهم السلام و هدایت گری آنان و کفر ستیزی آنان را همراه با مقاومت مؤمنان به آن ها در بستر تاریخ از شیوه های قرآن کریم برای انتقال پیام به مخاطب و ایجاد ارتباط با اوست.



ب- مناظره ، احتجاج و جدال احسن اگر سیری در سوره های قرآن کریم داشته باشیم ، خواهیم دید که در برخی از سوره ها مناظرات و استدلال هایی بیان شده که روش مناسبی برای القای پیام و شدت بخشی به تأثیر آن در مخاطب است و از این طریق پیام ها به خوبی منتقل می شود .

قرآن کریم مناظرات و استدلال ها را به سه صورت بیان کرده است ، یک صورت آن مناظراتی است که بین انبیای عظام علیهم السلام با طاغوت های زمانشان صورت گرفته و قرآن کریم به بیان آن محاوره و مناظره می پردازد و نتایج و پیامدهای آن را نیز بیان می کند ، مانند مناظره بین حضرت ابراهیم علیه السلام و نمروذ^۱ و مناظره بین حضرت موسی علیه السلام با فرعون زمان خودش^۲ و صورت دوم بیان مناظراتی که در آینده شکل خواهد گرفت و به صورت اخبار غیبی قرآن کریم آنها را بیان می دارد مانند مناظره بین بهشتیان و دوزخیان^۳ یا مناظره بین منافقان و مؤمنان^۴ و یا مناظره بین مستضعفان و مستکبران^۵ و ... که هنوز صورت نگرفته ولی وقوع آن حتمی است . صورت سوم مناظراتی است که مربوط به عصر نزول است و قرآن کریم بدین صورت با مشرکان زمان پیامبر اعظم (ص) احتجاج کرده^۶ و به جدال احسن با آنان پرداخته است ، علاوه بر این که روش قرآن در استدلال ، جدال احسن است پیامبر و مؤمنان را نیز به جدال احسن دستور می دهد^۷ و از جدال بی فایده باز می دارد .

ج- تکرار مواردی در قرآن کریم یافت می شود که آیات شریفه تکرار می شود ، در چنین مواردی بعضی می گویند آیات برای تأکید تکرار می شود و خداوند سبحان آن را تکرار نموده تا بر شدت اثر بخشی و قدرت نفوذ آن بیفزاید ، برخی نیز قائل به تأسیس اند ، می گویند اگر بتوان حرف جدیدی را برداشت کرد بهتر از آن است که معنای تأکیدی داشته باشد ، اصل را بر تأسیس گذاشته و از قاعده (التأسیس اولی من التأكيد) استفاده می کنند .

این گونه آیات در قرآن کریم چشمگیر است بعضی از آیات عیناً تکرار شده ، که کوچک ترین نمونه آن در سوره کافرون است و نیز در سوره های دیگر مانند الرحمن ، سوره نمل بعضی از آیه ها با اندکی تفاوت تکرار شده است ، در برخی از سوره ها که به نقل تاریخ و سرگذشت انبیا علیهم السلام امت های پیشین می پردازد نیز قسمت هایی از داستان را تکرار نموده است و هر بار زاویه ای خاص را نگریسته و نمودی تازه از داستان را ارائه داده است و شاید هدف و نکته ای تازه را دنبال کرده است ؛ به هر حال تکرار یکی از شگردهای قرآن کریم برای القای پیام به مخاطب است .

د- استفاده از آرایه های ادبی بر کسانی که اندک آشنایی با زبان و ادبیات عرب دارند ، پوشیده نیست که قرآن کریم سرشار از زیبایی های کلامی بوده و فصاحت و بلاغت قرآن به حد اعجاز است و انواع آرایه های لفظی و معنوی موجود در قرآن کریم ، سخن وران ، ناقلان و حتی معاندان را به شگفت آورده است . استفاده از انواع آرایه های ادبی از روش هایی است که قرآن کریم برای

۶- سوره بقره (۲) آیه ۲۵۸
۷- سوره نمل (۱۶) آیه ۱۲۵

۱- سوره شعرا (۲۶) آیه ۲۳-۱۸
۲- سوره مدثر (۷۲) آیات ۲۷-۴۰
۳- سوره حدید (۵۷) آیات ۱۵-۱۲
۴- سوره سبأ (۳۴) آیات ۳۲-۳۰



زیبایی کلام و القای هر چه بهتر پیام برگزیده و حقایق را به زیبایی، پوشیده و آشکارا بیان کرده است. قرآن کریم از تشبیه، فراوان استفاده کرده و از مجاز، استعاره و تمثیل به خوبی بهره برده است، از ایجاز به بهترین وجه سود جسته و در مواردی نیز حقایق را به تفصیل بیان نموده است؛ اما به خلاف معاندان و روشن فکران غرب زده و مستشرقان، که قرآن را خالی از حقایق می دانند، باید گفت که قرآن کریم مملو از حقایق است و حقایق را با استفاده از امکانات ادبی موجود در زبان عربی به خوبی بیان کرده، به وجهی که این شکل از سخن گفتن میان مردم عصر نزول رایج بوده و آنان نه تنها آن را می فهمیده اند بلکه از زیبایی آن به شگفت می آمده اند.

یکی از تشبیهاتی که قرآن کریم به کار برده است، تشبیه حق به آب و تشبیه باطل به کف روی آب است؛^۱ علامه طباطبایی در این باره می گوید: این مثال به ما می گوید که واقعیت های عالم مشهود، نمودهای مناسبی برای تسلیم عالم غیب و حقایق معنوی است؛ از این رو مثل باورهای درست مؤمن، همانند آب فرو ریخته از آسمان است که در رودهای گوناگون جاری می شود و مردم از آن بهره می برند و دل های آنان زنده می شود و خیر و برکت در آن قرار می گیرد و مثل اعتقاد باطل در نفس کافر همانند کف های روی سیل است که دوام و قوام ندارد.^۲

قرآن رسالت والای خود را انسان سازی معرفی می کند، اما تحقیق آن هدف به تناسب مخاطبان و نیازهای فکری، معرفتی، روحی، عاطفی، معنوی و مادی، دنیوی و آخرتی آن ها نیازمند ابزارها و وسائل گوناگونی است از سوی دیگر قرآن کریم رسالت دارد بینش هایی واقعی از جهان هستی، گذشته، حال و آینده انسان ارائه دهد و ارتباط او با خالق هستی بخش را بیان کند؛ از این روست که تمام امکانات زبانی را استخدام می کند و به بیان واقعیت ها می پردازد، بنابراین می توان گفت قرآن کریم از یک طرف با زبان تعلیمی به تصویر واقعیت های هستی و نقش و کار هر یک می پردازد و از طرف دیگر در متن آن واقعیات، زبان تربیتی مخصوص به خود دارد که رسالت انسان سازی را انجام می دهد.

• فصل سوم: ویژگی های پیام های قرآنی

• الف - انتفاع همگانی و عمومیت پیام های قرآنی راغب اصفهانی می گوید: براهین آن و مورخان از داستان های آن منتفع می گردند.^۳ قرآن کریم در این ویژگی خود اصول محاوره عقلایی را رعایت نموده و به منظور اتمام حجت، سطح درک و فهم عموم مخاطبان را در نظر گرفته و مکانیسم گفتمان همه مردم را لحاظ می کند و البته در این راه دوجبهت را رعایت می کند: یکی این که اصطلاحات پیچیده و فنی متخصصان را ندارد دوم این که هم زبانی صرف نیست اگر چه زبان قرآن یک زبان تک ساختی و عرفی هم نیست.

امام خمینی (ره) می نویسد:

کسی که بخواهد تربیت و تعلیم و انداز و تبشیر کند، باید مقاصد خود را با عبارات مختلفه و بیانات



متشسته ، گاهی در ضمن قصد و حکایت و گاهی در ضمن تاریخ و نقل و گاهی به صراحت لهجه ، گاهی به کنایت و امثال و رموز تزریق کند ، تا نفوس مختلفه و قلوب متشسته ، هر یک بتوانند از آن استفاده کنند ... و چون این کتاب شریف [قرآن] برای سعادت جمیع و قاطبهٔ سلسلهٔ بشر است و ... نوع انسانی در حالات قلوب و عادات و اخلاق و ازمه و امکنه مختلف هستند ، همه را نتوان به یک طور دعوت کرد ، ای بسا نفوسی که برای اخذ تعلیم به صراحت لهجه و القای اصل مطلب به طور ساده حاضر نباشند و از آن متأثر نگردند ، با این ها باید به طور ساختمان دماغ آن ها دعوت کرد و مقصد را به آن ها فهمانید و بسا نفوسی که با قصص و حکایات و تواریخ سروکار ندارند و علاقه مند به لب و لباب مقاصدند ، این ها را نتوان با دسته اول در یک ترازو گذاشت ...^۱

• ب - حقیقت گرایی و واقعیت مداری یکی از ویژگی های پیامهای قرآنی حقیقت گرایی و واقع نمایی است ، نگرشی که قرآن کریم از جهان هستی ارائه می دهد مبتنی بر واقع نگری و رئالیسم است و در این بینش ، خدا واقعیت محض و اساس همهٔ هستی است و عالم امکان با تمام مراتب طولی و عرضی آفریدهٔ خداوند یکتاست.

اطلاعات قرآن از حوادث تاریخی نیز گرچه کم و نسبتاً محدود است ، اما درست و مطابق با واقع است ؛ از این جهت در قرآن کریم حادثهٔ دروغین و به اصطلاح قرآن ، افتراپی وجود ندارد^۲ ، چرا که این اطلاعات از مجرای وحی نازل شده است ؛ در صورتی که تاریخ های بشری که بر پایه اطلاعات و تحقیقات مورخان سامان دهی شده ، آکنده از وقایع جعلی و ظنی بوده و جزکیات آن ها و یا اخبار متواتر آن ها ، قابل اعتماد نیست ؛ اضافه بر این مطلب ، زبان قرآن در طرح وقایع تاریخی زبان نمادین و سمبلیک نیست ؛ بنابراین وقتی قرآن کریم از خلقت آدم و سجدهٔ فرشتگان بر او و تحذیر آدم از نزدیک شدن به شجرهٔ ممنوعه سخن می گوید ، این ها همه وقایعی است که در زمان خود واقع شده است^۳ همچنین وقایع دیگری که قرآن کریم به ذکر آن پرداخته و از سنخ حوادث خارق العاده به شمار می آید و با علل مادی قابل توجیه نیست ، همه حقایقی است که سمبلیک فرض کردن آن ها جز نفی معجزات موجود در بطن این حوادث ، نتیجه ای در بر ندارد .

• ج - هدف مندی پیام های قرآنی قرآن کریم نه تنها خود هدف دارد و در پیام هایش آن را دنبال می کند ، بلکه نظام موجود جهان را نیز یک نظام هدف دار ، موزون و خوش بینانه می داند که با خدا آغاز می شود و به او می انجامد ؛ بنابراین وقتی در پیام های خود این هدف را دنبال می کند می خواهد انسان را مهبیای ملاقات با خدا کند ، پس او را به ملاقات با خدا فرا می خواند: « یا

۱ - همان ، ص ۲۷۷ . (به نقل از آداب الصلاه ص ۱۸۷) .

۲ - سوره یوسف (۱۲) ، آیه ۱۱۱ .

۳ - معجم معارف ، روش قرآن در طرح وقایع و سرگذشت های تاریخی ، صحیفهٔ مبین شماره ۲۹ ، ص ۷-۱۸ .



أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ^۱؛ ای انسان تو با تلاشی فراوان به سوی پروردگارت می روی پس ملاقاتش می کنی.

۰د- نقل وقایع تاریخی به صورت گزینشی قرآن کریم در نقل حوادث تاریخی به نوعی گزینش دست زده، به گونه ای که در سرگذشت اقوام و سلسله های تاریخی تا جایی که با پیامبران و صالحان ارتباط مستقیم ندارد وارد نشده است؛ حتی در حوزه پیامبران نیز قرآن کریم متکفل بیان همه آن ها نبوده است چنان که خود می فرماید:^۲ و پیامبرانی که سرگذشت آنان را پیش از این برای تو باز گفته ایم و پیامبرانی [هستند] که سرگذشت آنان را بیان نکرده ایم.

دلیل این موضوع به مصلحت سنجی ویژه قرآن کریم در راستای هدایت انسان باز می گردد، زیرا که قرآن تا حدی که برای هدایت انسان لازم بوده به طرح وقایع تاریخی پرداخته و از سرگذشت پیامبران و امت های آنان یاد کرده است؛ به گفته یکی از محققان: برخورد قرآن با حوادث و وزمان های گذشته، برخوردی انتخابی و گزینشی است، یعنی این طور نیست که قرآن نسبت به یک پیامبر یا یک قوم کلیه وقایع و اتفاقات را به تفصیل و با تمام جزئیات بیان کند، بلکه آنچه را می تواند حامل پیام دین و در بر دارنده یک موعظه، هدایت، دعوت و ارشاد باشد، بیان می کند و در نقل یک واقعه مهم هم آنچه که بیشتر به این هدف کمک کرده و از برجستگی خاصی برخوردار است، مطرح می شود.^۳

• نتیجه گیری این تحقیق به بررسی مخاطبان قرآن در عصر نزول پرداخته است، قرآن کریم از عصر نزول عموم مردم را مورد خطاب قرار داده و روشن است که خطاب آن فقط برای مردمان عصر نزول نیست؛ قرآن کتابی است که طی اعصار و قرون کهنه نمی شود و برای فلاح و هدایت کل بشریت نازل شده و اگر چه در این تحقیق مخاطبان عصر نزول بررسی شده ولی قرآن چنان که خود می فرماید برای هدایت تمام نسل های آتی است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ، وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ اوست آن که در میان درس ناخوانده های پیامبری از خودشان بر انگیخت که آیات او را بر آن ها می خواند و پاکشان می سازد و کتاب و حکمتشان می آموزد و حقاً که از پیش در ضلالت آشکاری بودند و گروه دیگری از ایشان را نیز که هنوز به آن ها نپیوسته اند [حکمت می آموزد] و او مقتدر حکیم است.



گرچه قرآن کریم برای بیان مطالب خود روش های گوناگون اتخاذ نموده اما می توان گفت قرآن کریم برای انتقال پیام های خود دو شیوه کلی دارد، یکی مستقیم، که شامل خطابات مستقیم به افراد و گروه های مردم می شود و آنان را با الفاظ خاص منادا قرار می دهد: «یا ایها النبی، یا ایها الذین آمنوا، یا ایها الذین کفروا، یا اهل الکتاب، یا نساء النبی و ...»؛ دیگری شیوه غیر مستقیم است که با بیان های مختلف مانند نقل داستان های تاریخی، ذکر مناظرات، بیان استدلال ها تکرار مطالب و ... به کار رفته و قرآن کریم از این طریق پیام خود را به مخاطب انتقال می دهد.

چنان که از آیات قرآن بر می آید، قرآن هدی للناس و هدایت برای تمام مردم جهان در همه زمان ها و مکان هاست، بنابراین ویژگی های آن نیز باید متناسب با مخاطبانش در همه زمان ها و مکان ها بوده و نیاز همه را پاسخ گو باشد. خطاب قرآن و فریاد آن متوجه تمام بشریت است و انتفاع آن نیز همگانی است، آخرین کتاب آسمانی که تا قیام قیامت باقی است و متناسب با این دوام خود تیان کل شیء و هدایتگر نهایی است؛ سخن آن توحید و هدف آن رستگاری انسان و اعتلای کلمه توحید در سراسر جهان است؛ به توحید رهنمون می شود و آن چه در این راه از بیان عبرت ها و اخبار غیبی از آینده و گذشته لازم است بیان داشته است.

• فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، قم، بنیاد نشر قرآن، ۱۳۸۵.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰.

جعفریان، رسول، سیره رسول خدا صلی الله علیه وآله، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲.

حسینی ادیبانی، سید ابوالحسن، پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، بی جا، انوار الهدی، ۱۳۷۵.

سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن ۳جلد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۶.

معارف، مجید، روش قرآن در طرح وقایع و سرگذشت های تاریخی، صحیفه مبین، ش ۳۹، زمستان و بهار ۸۶-۸۵.

نقی پور فر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، قم، اسوه، ۱۳۷۸.

